

دیپلماسی مکاتبه ای و تأثیر آن بر مناسبات خارجی

مطالعه موردی : شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ ه.ق)

زهرا علیزاده بیرجندی^۱

چکیده

یکی از مباحث مهم در مطالعات تاریخ سیاسی ایران ، بررسی مکاتبات رجال سیاسی ، دیپلمات ها و سفرای ایرانی است . در ادوار مختلف تاریخ ایران نمونه های متعددی از این مکاتبات با انگیزه های مختلف در حوزه های مناسبات سیاسی ، فرهنگی و تجاری با دول خارجی به رشته تحریر در آمده است . بررسی و تحلیل محتوایی اینگونه مکاتبات ، افزون بر نشان دادن منش و بینش سیاسی دولتمردان ایران ، خط مشی و راهبرد های روابط خارجی دوره مورد مطالعه را نیز آشکار می سازد . با توجه به اهمیت مکاتبات سیاسی و جایگاه آن در مطالعات روابط خارجی ، مقاله پیش رو ، به بررسی و تحلیل دیپلماسی مکاتبه ای شاه عباس اول اختصاص دارد . این پژوهش بنیادی که به روش توصیفی - تحلیلی تدوین شده است می کوشد ضمن تحلیل سبک نوشتاری و منطق گفتاری شاه عباس اول در مکاتبات سیاسی وی نحوه عاملیت او را در روابط خارجی دوره صفویه مورد واکاوی قرار دهد . یافته های حاصل از این پژوهش نشان می دهد که شاه عباس یکم در دیپلماسی مکاتبه ای خویش در قبال امرای مسلمان و دولتمردان اروپایی مواضع متفاوتی اتخاذ کرده است . این وجوه تمایز را می توان از لحن مقتدرانه مبتنی بر تمایز ایدئولوژیکی در برابر امرای مسلمان و مواضع تسامح جویانه و مبتنی بر مدارا در قبال اروپاییان را مشاهده کرد .

واژگان کلیدی : صفویه ، شاه عباس اول ، دیپلماسی مکاتبه ای ، سیاست خارجی .

^۱ - دانشیار گروه تاریخ دانشگاه بیرجند ، zalizadehbirjandi@birjand.ac.ir

مقدمه

نامه ها و مکاتبات نخبگان سیاسی ایران در عصر صفوی که در حوزه های روابط سیاسی ، تجارت خارجی ، انعقاد پیمان های سیاسی و مباحثی از این قبیل به رشته تحریر در آمده است، مقوله مهمی در مطالعات تاریخ سیاسی ایران به شمار می آید . به دلیل تأثیر گذاری این مکاتبات در روند روابط دیپلماتیک در پژوهش حاضر عبارت دیپلماسی مکاتبه ای که مبین سیاق گفتاری و گفتمان حاکم بر این مکاتبات می باشد به کار رفته است. در دیپلماسی مکاتبه ای، سبک نوشتاری و منطق گفتاری رجال سیاسی و بازتاب آن در عرصه مناسبات خارجی مد نظر قرار می گیرد . در میان منشآت عصر صفوی اسناد و مکاتباتی از شاه عباس اول با موضوعات متنوعی در عرصه روابط خارجی به جای مانده، که از جنبه های گوناگون ادبی ، تاریخی و سیاسی حائز اهمیت است . عبدالحسین نوایی (۱۳۶۶) ضمن تأکید بر اهمیت نامه ها و مکاتبات سیاسی شاه عباس ، از دقت و ظرافت به کار رفته در این نامه های سیاسی سخن گفته و یاد آور می شود که نیاکان ما در زیر پوشش تعارفات دیپلماتیک منظور و مقاصد خویش را برای حفظ این آب و خاک و منافع مردم آن بیان داشته اند (نوایی ، ۱۳۶۶ ، ج ۳ : مقدمه). با وجود نثر مغلق و مطمئن عصر صفوی منشیان آن زمان در مکاتبات سیاسی با همین عبارت پردازی های به ظاهر خشک و متکلف توانسته اند ، مقاصد سیاسی مخدومین نکته سنج و زیرک خود را به رقبای سیاسی خود بفهمانند . نوایی در بیان اهمیت مکاتبات سیاسی صرفاً به نتایج سیاسی بسنده نکرده بلکه به دستاوردهای ادبی و راه یابی این سبک نوشتاری در متون منشور نیز پرداخته است (همانجا).

بررسی سبک نوشتاری مکاتبات سیاسی در ادوار بعدی نظیر دوره قاجار نشان می دهد که در اینگونه نوشته ها منطق گفتاری خاصی سیطره دارد ، که میرزا ابوالقاسم قائم مقام از آن به عنوان « زور میرزایی » یاد کرده و در توصیه هایش به میرزا محمد علی آشتیانی برای تنظیم قرار داد با عثمانی می نویسد : « ... تا این حد هم اذن و اجازت می دهیم که الفاظ مبهمه و فقرات ذو احتمالین در قصلی که موقع ذکر این مطلب است به زور میرزائی و

قوة انشائی بگنجاند که راه سخن برای ما باقی بماند و این تصرف و تسلطی که حالا داریم سلب نشود...» (مجله یادگار سال ۱ ش ۶: ۷۳ نقل از نوایی، ۱۳۶۶، ج ۳: مقدمه).

باتوجه به آنچه در تحلیل مفهوم دیپلماسی مکاتبه ای و اهمیت آن بیان شد، هدف پژوهش حاضر تحلیل محتوای مکاتبات شاه عباس و ارزیابی تاثیرات آن در عرصه مناسبات خارجی دوره صفویه است. براین اساس پرسش های پژوهش حاضر به قرار ذیل است:

- مهم ترین مولفه های دیپلماسی مکاتبه ای شاه عباس یکم کدام اند؟

- وجوه تمایز دیپلماسی مکاتبه ای شاه عباس در مکاتباتش با دولتمردان مسلمان و اروپایی چه می باشد؟

نقد و بررسی پیشینه پژوهش حاضر نشان می دهد که در این زمینه عبدالحسین نوایی (۱۳۶۶) در دیباچه ای که بر کتاب شاه عباس، مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت های تفصیلی نگاشته، به اهمیت این مکاتبات به اختصار اشاره کرده است. تفاوت پژوهش حاضر با اثر فوق، به دلیل ماهیت تحلیلی و تمرکز آن بر ارزیابی تأثیر این مکاتبات در تبیین الگوهای سیاست خارجی عباس یکم است.

جعفری (۱۳۹۶) پایان نامه ای با عنوان «بررسی تحلیلی دیپلماسی مکاتبه ای رجال عصر قاجار» دارد که در آن به تحلیل محتوای گزیده ای از مکاتبات رجال سیاسی دوره قاجار پرداخته است. علیزاده بیرجندی و جعفری (۱۳۹۷) مقاله ای با عنوان «بررسی تحلیلی دیپلماسی مکاتبه ای امیر کبیر» در دومین کنفرانس تاریخ روابط خارجی ایران ارائه داده اند. وجه تمایز مقاله حاضر با دو پژوهش فوق الذکر، علاوه بر ابعاد تحلیلی آن در دوره مورد مطالعه است.

منش سیاسی و ماهیت سلطنت شاه عباس اول

هنگامی که عباس اول در ۹۹۶ ه. ق در قزوین بر تخت سلطنت نشست آشفتگی و بی ثباتی سلطنت صفوی را از درون و بیرون تهدید می کرد. سپاه عثمانی تا همدان و نهاوند و ازبکان هرات و مشهد را تصرف کرده بودند (نوایی، ۱۳۷۰ ج ۱: ۲۰۵). در داخل کشور نیز تمایلات گریز از مرکز امرای قزلباش، جنبش ها و قیام های مختلف، وحدت و یکپارچگی امپراتوری صفوی را تهدید می کرد. عباس اول پس از فراغت از سرکوب اغتشاشات داخلی به حل مسائل خارجی پرداخت، ابتدا از طریق صلحی تاکتیکی با عثمانی خیال خود را از مرز های غربی راحت کرده به دفع تهاجم ازبکان از خراسان پرداخت. در مرحله بعد عثمانیان را نیز از مناطق متصرفی در همدان و آذربایجان عقب راند، و بدین ترتیب حکومتی مقتدر و با ثبات در کشور ایجاد کرد. سپس

شاه عباس برای تمرکز بخشی به حکومت خویش به اصلاح سازمان های لشکری و کشوری پرداخت. او با تشکیل یک نیروی نظامی جدید مرکب از افراد گرجی و ارمنی بر قدرت و تمرکز حکومت خویش افزود (آقا جری ، ۱۳۸۹ : ۲۱۶؛ مهدوی ، ۱۳۸۴ : ۶۴). اقدام دیگر وی برای تثبیت حاکمیت سیاسی و دینی صفویه انتقال پایتخت به اصفهان بود . وی در این اقدام خویش علاوه بر ملاحظات سیاسی ، انگیزه اقتصادی هم داشت . سیاست های اقتصادی او در زیر ساخت گسترده برای تسهیل امور تجاری در ایران نمایان بود . یکی از برجسته ترین اقدامات شاه برای توسعه بازرگانی ، ساخت کاروانسرا ، راه و گماشتن راهداران بود . اسکان آرامنه جلفا توسط شاه عباس اول در ۱۰۱۳ ه.ق در اصفهان علاوه بر ابعاد تجاری اهمیتی محوری برای اصلاحات سیاسی شاه داشت . این بازرگانان مسیحی یک گروه مهاجر دیگر - غلامان خاصه - که از قفقاز آمده بودند را نیز تأمین هزینه می کردند . تأمین مخارج تشکیلات جدید غلامان شاه با واردات نقره آرامنه جلفا به اینان نقشی محوری در اقتصاد سیاسی ایران می داد (بابایی و دیگران ، ۱۳۹۰ : ۶۳-۶۴).

بررسی خط مشی - سیاسی و اجتماعی عباس اول در دوران سلطنتش نشان می دهد که همه ی اقدامات داخلی و خارجی او بر پایه ی ایجاد حکومتی با ثبات و قدرتمند که شاه در آن محور همه ی امور باشد شکل گرفته است. شاه عباس اول همچون دیگر سلاطین صفوی تشیع را به عنوان مذهب رسمی و ایدئولوژی حاکم در محور سیاست مذهبی خود قرار داد (آقاجری : ۲۲۳ و ۲۳۹).

افزون بر اقداماتی که ذکر آن گذشت شاه عباس در الگوهای روابط بین المللی عصر صفوی نیز تحولاتی ایجاد کرد . در کنار الگوی اتحاد با اروپایی ها بر ضد دولت عثمانی ، الگوی تجارت ایران و اروپا به عامل مهمی در مناسبات آنها شد . اگرچه سابقه ناخوشایند روابط میان ایران و اروپا را در دوران پیشین به خاطر داشت ، اما اهمیت این روابط تجاری را نیز مدنظر قرار داد . وی با ایجاد سیاست های دقیق در زمینه تجارت خارجی ایران عصر صفوی را وارد مدار اقتصاد جهانی نمود .

شاه عباس در راستای ایجاد روابط گسترده با اروپاییان الگویی مبتنی بر تساهل و تسامح مذهبی و اعطای آزادی های مذهبی و اجتماعی به اروپاییان ساکن ایران طراحی نمود . این الگو به شکوفایی تجارت نیز کمک نمود (خالندی ، ۱۳۹۷ ج ۱ : ۲۳۹-۲۴۲). در این زمینه کثرت مکاتبات برخی اقلیت های مذهبی نظیر پادریان کرملیت و تمایلات پاپ به داشتن روابط استوار با ایران که در اسناد پادریان کرملی بازتاب یافته ، در نتیجه این سیاست های مدارا جوینانه شکل گرفته است . در این اسناد فرامین و مکاتبات مربوط به پادریان کرملی عصر شاه عباس که برای تجارت (و در ضمن آن تبلیغ مسیحیت) به ایران آمده اند در خور توجه است (اسناد پادریان کرملی بازمانده از عصر شاه عباس صفوی ، ۱۳۸۳ : مقدمه).

یکی دیگر از الگوهای شاه عباس در روابط با قدرت های اروپایی ، الگوی موازنه قدرت بود . براساس این الگو شاه عباس برای اعاده قدرت خویش در خلیج فارس ، زمانی که انگلیسی ها وارد ایران شدند ، وجود آنها را برای ایجاد توازن قدرت در منطقه خلیج فارس به منظور اخراج پرتغالی ها مناسب دانست و با دادن امتیازات تجاری و مدنی به کمپانی هند شرقی انگلستان ، انگلیسی ها را وارد مدار رقابت های سیاسی و اقتصادی در خلیج فارس کرد (خالندی : ۲۴۳). در همین راستا فوران نیز به شکست پرتغالی ها به واسطه حضور انگلیسی ها اشاره کرده است (فوران ، ۱۳۸۳ : ۶۷) .

دیپلماسی مکاتبه ای شاه عباس با ازبکان

ساختار مکاتبات و گفتمان این نامه ها بر پایه ی نشان دادن تمایزات ایدئولوژیکی و هویت اعتقادی شاه عباس در برابر حریف سیاسی یعنی ازبک ها استوار است . شاه عباس در نامه ای که به عبدالله خان ازبک ارسال کرده با یاد آور شدن شأن ظل الهی خویش انتصاب خود به خاندان اهل بیت و اقتداء به سیره آنها و به رخ کشیدن برتری و سروری خویش ، خود را از هرگونه فتنه گری و جنگ و کشتار میرا دانسته و غرض و هدف و مدعای خویش را رفاه و امنیت حال مسلمانان نیز عنوان کرده است . سپس مطالبات و خواسته های خویش را با استناد به آیات قرآنی مطرح می سازد . از جمله مطالبات شاه عباس رفع موانع زیارت حجاج و تردد تجار و بازگشت فردی که در زمان تصرف هرات به دست عبدالله خان ازبک به اسارت در آمده می باشد . در فراز هایی از این نامه آمده است :

« ... به مصدوقه السلطان العادل ظل الله ، واجب و متحتم است که اغراض دنیوی را منظور نظر اصابت نداشته نایره فتنه و آشوب را که از حوادث روزگار در اقطار و امصار روی دهد و صغار و کبار و اخیار و ابرار را منهدم و معدوم گرداند ... در اطفای آن کوشیده از مضمون صدق مشحون لایرحم الله من لایرحم الناس ملاحظه نموده با خلایق و عبادالله در مقام شفقت و احسان بوده ... ثبات دولت عاریتی دنیای فانی که عهدش را وفایی و جاهش را بقایی نیست در نظر همگنان و خردمندان ظاهر و باهر . و بر ضمیر انور و خاطر فیض گستر ، نسبت ما به خاندان طیبین طاهرین و سلسله اولیا و اصفیا ظاهر خواهد بود ... اقتدا به سنت سنیه آباء و اجداد عظام کرام نموده ... بر ذمت پادشاهان فرض عین و عین فرض نموده ایم و همیشه ملحوظ خاطر آن است که از مضمون الفتنه نائمه لعن الله من ایقظها احتراز فرموده محرک و مجدد فتنه و قتال نبوده باشیم و در تسکین نائره آن سعی مشکور و جهدمو فور مبذول فرماییم ... و مضمون آیه عظیمه و من اظلم ممن منع مساجد الله به خاطر ما خطور نمود که نزاع و کلفت به واسطه حب جاه و مملکت فی مابین آن خاندان عظیم الشان چنگیزخانی و این

جانب واقع است ، راه مکه معظمه و مدینه مشرفه چرا مسدود بوده باشد . مسلمانان و عبادالله را در این منازعه ما بین چه دخل است که امور واجبی را به جای نتوانند آورد و بال آن در روز جزا گردن شما و ما بوده باشد « (نوایی ، ۱۳۶۶، ج ۱ : ۱۸۲-۱۸۳ و ۱۸۵).

در نامه شاه عباس به عبدالمومن خان ازبک ضمن سخنان پند آمیز و صلح جویانه در خصوص انتخاب راه جنگ و ستیز بدون اینکه کمترین بیم و هراسی از بروز جنگ نشان دهد ، پیشنهاد جوانمردانه ای را در نامه خود به خان ازبک مطرح ساخته است :

« ... و چون منازعه سلطنت و جهانداری فیما بین نواب همایون ما و آن نقاوه دودمان خوانین است و لشکر و عساکر طرفین گوینده کلمه طیبه لاله الا الله و محمدا رسول الله اند اولی آنستکه در روز جنگ که صفها راست شود نواب همایون ما از صف لشکر خود بمیان معرکه در آمده با یکدیگر طرید و نبرد فرمائیم ... و چندین هزار نفس از بندگان خدا و مسلمانان در میان ضایع نشود و وبال خون ایشان در گردن ما و ایشان نبوده باشد ...» (ثابتیان ، ۱۳۴۳ : ۲۵۵).

این عبارات شاه عباس حاکی از تدابیر هوشمندانه و شجاعت مقتدرانه او که برآیند آن متقاعد سازی عبدالمومن خان و پذیرش صلح توسط او بود . وی در پاسخ نامه شاه عباس با ذکر این جمله که « با آل علی هرکه در افتار برافتاد » نشان داده که خصومت با دودمان صفوی به مصلحت نیست و پس از ذکر القاب مفصل نظیر « تاج بخش عالم آرای » ، « نوشیروان خورشید منظر » ، « خصم بند قلعه گشای » ، « قدر قدرت » مصلحت را در ترک مخاصمه می بیند (نوایی ، ۱۳۶۶ ج ۱ : ۲۲۰).

شاه عباس در آن زمان مشغول استقرار نظم در نواحی آذربایجان ، عراق و سایر نقاط مغشوش ایران بود . ازبکان نیز از این شرایط استفاده کرده و به مناطق شرقی ایران بویژه خراسان را مورد تهاجم و حمله قرار می دادند ؛ اما همین که پادشاه مقتدر صفوی با لشکریان خود برای دفع مهاجمات آنها اقدام می کردند ازبکان متواری می شدند . در مکاتباتی که میان امرای ازبک و شاه عباس مبادله شده تزویر و کینه دوزی ازبکان و گفتمان مقتدرانه شاه عباس که ضمن نکوهش خوی غارت گرایانه ازبکان آنها را به مسالمت و ترک فتنه آگاه ساخته و سران غارتگرشان را به مجازاتی که امرای گذشته به آن دچار شدند تهدید می کند (ثابتیان : ۲۵۷-۲۵۸).

از بررسی این مکاتبات انجام شده میان شاه عباس و خوانین ازبک می توان دریافت که دیپلماسی مکاتبه ای شاه عباس در قبال ازبکان علاوه بر مواضع اقتدار گرایانه ، در مواردی مبتنی بر گفتمانی مدارا جویانه و زمانی

همراه با اتخاذ مواضع ایدئولوژیک در قبال حریف مجال بروز و ظهور پیدا کرده است. مصادیق این دیپلماسی در عبارت های ذیل که از خلال نامه های شاه عباس استخراج شده قابل دستیابی است :

- « اردوی کیهان پوی»؛

- « دیانت و خدا ترسی نواب همایون ما » ؛

- « از روح مقدس حضرت خاتم الانبیا ... و ارواح مطهرات حضرات ائمه اثنی عشر اعانت جسته »؛

- « توکل بر خالق جز و کل فرمودئیم »؛

- « به واسطه رفاه حال مسلمین در مقام نزاع و عناد نبوده باشیم »؛

- « ثبات عاریتی دنیای فانی که عهدش را وفایی و جاهش را بقائی نیست » (ثابتیان : ۲۵۴ - ۲۶۰).

- « منم غلام امیرالمومنین علی ابن ابی طالب علیه صلاه و السلام و تو غلام عمر و معاویه و ابوسفیان ...» (نوایی ج ۱ : ۲۵۳).

دیپلماسی مکاتبه ای شاه عباس با عثمانیان

شاه عباس پانزده سال پس از جلوسش به سلطنت هنگامی که توان مقابله با عثمانیان را پیدا کرد از اعمال خصمانه ای که بهانه به دست دشمن می داد اجتناب نمود وی با استفاده از فرصت های مناسب پیشرفت های ایران را در امور کشوری و لشکری به اطلاع عثمانی ها می رسانید. در دوره سلطنت سلطان محمد سوم قدرت عثمانی به سبب جنگ های پی در پی با اتریش و شورش فرقه جلالی در آسیای صغیر رو به ضعف گذاشت به این جهت شاه عباس که از حمایت معنوی دولت های اتریش و روسیه اطمینان پیدا کرد، تصمیم به حمله گرفت. شاه عباس موفق شد در مدت کوتاهی پادگان عثمانی را تار و مار و تبریز را پس از هجده سال که در اشغال بیگانگان بود آزاد نماید. پس از درگذشت سلطان محمد سوم جانشین وی سلطان احمد اول (۱۶۰۳-۱۶۱۷) پس از جلوس به سلطنت سپاه عظیمی را روانه ایران نمود. باوجود غلبه نفرات عثمانی، عثمانی ها شکست خوردند. در نتیجه پیروزی های درخشان شاه عباس سراسر آذربایجان، قفقاز، کردستان و شمال بین النهرین به دست ایرانی ها افتاد. تصرف عتبات عالیات موجب خرسندی توده مردم و ارضای احساسات مذهبی آنان را فراهم آورد. در این هنگام شاه عباس با ارسال پیغامی به عثمانی ها متذکر شد که قصد تصرف خاک عثمانی را نداشته و در صورت انصراف آنها از ادعاهایشان نسبت به ایالات ایران حاضر به امضای قرارداد

صلح می باشد اما عثمانی ها که حاضر به قبول این شکست فاحش نبودند موجبات درگیری ها و جنگ های سرحدی را بین دو کشور رافراهم آوردند. حاصل این جنگ ها تصرف تبریز توسط عثمانی ها در سال ۱۶۱۲ بود اما ایرانی ها توانستند تبریز را پس بگیرند و به دنبال آن مذاکرات صلح میان طرفین و انعقاد عهدنامه ی دوم استانبول فراهم شد (مهدوی : ۷۵-۷۷). پس از انعقاد این عهدنامه نیز درگیری هایی به واسطه حملات عثمانیان میان ایران و عثمانی در گرفت در نهایت منجر به انعقاد عهدنامه صلح در ۱۰۲۷ هـ. ق گردید . آوازه فتوحات درخشان شاه عباس در برابر عثمانی ها به اروپا نیز رسید (مهدوی : ۷۹-۸۰).

در این قسمت از نوشتار به منظور تحلیل دیپلماسی شاه عباس به گزیده ای از مکاتبات شاه عباس با عثمانی ها پرداخته می شود .

در یکی از نامه های شاه عباس به سلطان احمد وی ضمن آوردن عباراتی تحمیدیه در ستایش پروردگار و با استناد به آیاتی از قرآن (سوره آل عمران / ۱۰۳ سوره یونس / ۱۳ و انفال / ۱) نیت صلح خواهانه خویش را با سلطان عثمانی از همان آغاز نامه نشان می دهد . در ادامه عباراتی در نعت رسول اکرم (ص) آورده آنگاه با آوردن آیه تطهیر (سوره احزاب / ۳۳) مبانی اعتقادی شیعه که شالوده ایدولوژیکی حاکمیت اوست را مطرح می سازد . آنگاه با آوردن القابی مطول در مدح سلطان عثمانی می پردازد . در ادامه از « تجدید قواعد مؤالفت » و برقراری اتحاد میان دو دولت سخن گفته است :

« ... درود نامعدود بیرون از دائره فکر و حواس شایسته روح مطهر و مرقد منور رسول ... صلوات الله و علی آله الاطهار الابرار الذین اذهب الله عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا علی الخصوص شهسوار میدان الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا و شهریار ایوان « انا مدینه العلم و علی بابها » امیر المومنین و امام المتقین و وصی رسول رب العالمین سلام الله علیه و اولاده الطاهرین المعصومین ... لله الحمد دوحه دولتی که خواقین سلف علیهم الرحمه و اکرم التحف به ایادی عزّ و شرف در ریاض موالات از دو طرف غرس نموده بودند و به تصاریف ایام از نشو و نما افتاده به جریان زلال سلسال دوستی و وفاق و حسن صداقت و اتفاق سرسبز گشته به ازهار عهد و وفا برومند گردید و مبانی و داد و قواعد اتحاد کشجره طیبه اصلها ثابت و فرعها فی السماء فی مابین به نوعی مشید و مستحکم گشت که ان شاء الله تعالی خلل و نقصان به ارکان راسخه البنیان آن را نخواهد یافت . رجای واثق است که تا ابدالدهر این عهد مصون محبت مقرون که موجب آرامش عالمیان و آسایش جهانیان است بر صفحه روزگار پایدار بوده دست حوادث دوران از اذیال آن کوتاه بوده باشد که هر آینه خلود آن باعث فرح و خوشحالی کافه اهل اسلام و مخذولی ارباب شرک و ظلام است» (نوایی ، ج ۳ : ۹۲-۹۷).

شاه عباس با آنکه در رابطه های خود با دربار عثمانی نهایت ادب، فروتنی و احساس متابعت ابراز می داشت، ولی تجاوز به قلمروش را بر نمی تافت و به گونه مودبانه ای دربار عثمانی را از اقدام به آن بر حذر می داشت. امیر مبارک عرب از سادات مشعشی که بر بخش بزرگی از خوزستان حکمرانی می کرد به اموال بازرگانان عثمانی که از قلمرو او عبور می کردند دست درازی می کرد. آنان نیز به دربار عثمانی شکایت کردند و گروهی از سپاهیان عثمانی برای سرکوبی او روانه خوزستان شدند. شاه عباس پس از آگاهی از این امر در نامه ای به بزرگان عثمانی نوشت امیر مبارک تابع و منصوب اوست و چون بین دو کشور صلح برقرار است توقع آن بود اگر از متابعت وی امری بر خلاف پیمان صلح روی نماید به وی اعلام می داشتند تا او به تنبیه وی بپردازد. شاه عباس اظهار داشت پس از آگاهی از تجاوز امیر مبارک به اموال بازرگانان عثمانی قورچیان را برای تأدیب او فرستاده و او را از حکومت ناحیه دزفول که علاوه بر سایر ناحیه ها به او واگذار کرده بود معزول ساخت. افزون بر آن، از او خواست کلیه اموال بازرگانان عثمانی را به صاحبانشان پس دهد. ولی او فرزندان خود را به دربار وی فرستاد و ارتکاب چنین عملی را تکذیب نمود. شاه از برگان دربار عثمانی خواست به عرض سلطان عثمانی برسانند که از اعزام سپاه به خوزستان که « مناقعی عهد و شرط طرفین است و از جانب ایشان امری که مخالف عهد و شرط بوده باشد چشم داشت نیست » خودداری کند. او از آنان خواست بازرگانان شاکی را به دربار وی اعزام دارند تا سید مبارک هر چه از آنان ستانده باشد به صاحبانش پس دهد. شاه عباس که محور اصلی نامه هایش با دربار عثمانی بر موضوع صلح و لزوم رعایت و تحکیم آن بوده است از بزرگان دربار عثمانی خواست که آنان نیز در « استحکام و تشیید بنیان آن ساعی » باشند (پارسا دوست، ۱۳۸۸ ج ۱: ۱۹۰-۱۹۱).

دیپلماسی مکاتبه ای شاه عباس با اروپاییان

عمده ترین دلایل برقراری ارتباط شاه عباس با اروپاییان، توسعه طلبی امپراتوری عثمانی و خصومت دیرینه ی ایرانیان و عثمانیان با یکدیگر و رقابت های تجاری بود. شاه عباس برای برون رفت از اقدامات خصمانه ی دولت عثمانی و موانعی که آنها بر سر راه تجارت ایران ایجاد می کردند اقداماتی در جهت برقراری روابط سیاسی و تجاری گسترده با دول اروپایی به عمل آورد. در راستای این سیاست شاه عباس مسیر فروش ابریشم را به خلیج فارس و جزایر و بنادر آن منتقل کرد و با وعده سهم نمودن دول اروپایی در تجارت ابریشم ایران گام های اساسی در دستیابی به اهداف خود در خلیج فارس برداشت. اعم اهداف وی در خلیج فارس معطوف به برقراری حاکمیت سیاسی ایران در خلیج فارس و کوتاه کردن دست پرتغالی ها از جزایر و بنادر آن و تقویت تجارتی ایران معطوف بود (هدایتی، ۱۳۹۷: ۴۸).

سبک نوشتاری نامه های شاه عباس با اروپاییان با سبک مکاتبات وی با سلاطین مسلمان تفاوت های بارزی دارد برای نمونه در مکاتبات شاه عباس با اروپاییان نشانی از نعت رسول اکرم (ص) و اهل بیت (ع)، و به طور کلی مبانی اعتقادی شیعه یافت نمی شود. این نامه ها با آوردن القابی برای سلاطین اروپایی آغاز شده و از صفات و القاب مطمئن و مفصلی که در مکاتبات با سلاطین مسلمان به کار رفته یافت نمی شود برای نمونه در نامه شاه عباس به پادشاه هلند پس از آوردن القابی در مدح پادشاه هلند وی بر گشایش «ابواب الفت» و استحکام «تواتر مکاتیب مودت آمیز و مراسلات الفت آمیز» تأکید نموده است. مضمون این نامه در آزادی داد و ستد و تردد بازرگانان هلندی استوار است (فلور، ۱۳۵۶: ۱۲۲-۱۲۳؛ نوایی، ج ۳: ۲۵۴-۲۵۵).

در نامه شاه عباس به فیلیپ سوم نیز همین ساختار رعایت شده است برخی مضامین مطرح در این نامه علاوه بر تسهیل مناسبات تجاری بر تسامح شاه عباس نسبت به پادریان مسیحی دلالت دارد:

«... و پادریان عظام را معزز و معظم و مکرم گردانیدیم... لهذا جمعی از تجار و سوداگردان فرنگیه را که در مرافقت پادریان آمده بودند، در دارالسلطنه اصفهان که مقر دولت همایون است، مسکن و مأوی داده شد. مقرر نمودیم که من بعد نیز هرکس از آن طایفه اراده آمدن به این دیار داشته باشند به فراغ خاطر و جمعیت باطن و ظاهر آمده به داد و ستد و خرید و فروخت مشغول بوده باشند» (نوایی، ج ۳: ۲۶۴). به رغم اتخاذ مواضع مقتدرانه و تفوق آمیزی و گاه آمیخته با تهدید که در دیپلماسی مکاتباتش با سلاطین مسلمان در پیش می گیرد. دیپلماسی مکاتبه ای وی با دولتمردان اروپایی مبتنی بر تسامح و مداراست. شاهد این مدعا نامه وی به شورای ایالات هلند است:

«... و ملازمان عالی و مردم مملکت خود را مقرر دارند که بفراغ خاطر و اطمینان قلب بدینولایت آمده بهر طریق خواهند خرید و فروخت و دادوستد نمایند و بهر نوع رضا و اراده داشته باشند سلوک کنند که احدی را در قلمرو همایون قدرت بر ممانعت ایشان نخواهد بود...» (فلور: ۱۲۳).

در بررسی دیپلماسی مکاتبه ای عباس یکم با هلندی ها افزون بر نامه های وی، یاد داشت ها و نقطه نظرات شاه بر مفاد موافقت نامه تجاری ایران و هلند نیز در خور توجه می باشد. متن موافقت نامه مذکور در ۲۱ نوامبر ۱۶۲۳ توسط شاه عباس تصدیق و ممهور شده است. در ذیل به فراز هایی از یاد داشت های شاه عباس بر این موافقت نامه اشاره شده است.

در ماده سوم این موافقت نامه مربوط به معافیت کالاهای تجاری و نقدینه هلندی ها به هنگام صادرات و واردات است. شاه عباس در ذیل این ماده می نویسد:

« حتی یک دینار نباید بیشتر از رسم معمول دریافت شود و هیچکس ، در هیچ مقام و شرائطی مأذون به بازرسی و ضبط مال التجاره شما نیست » (فلور : ۲۳) .

ماده دوازدهم این موافقت نامه مبنی بر خرید بردگان مسیحی تابع ایالات هلند است . شاه عباس در ذیل این ماده تصریح نموده که خریدن این بردگان منوط به گواهی مقامات قضائی و اثبات تابعیت هلندی آنان می باشد .

ماده سیزدهم این عهد نامه در مورد اختیارات رئیس هلندی ها در مصادره اموال و توقیف اتباع هلندی است که به دین اسلام بگردند . شاه عباس یکم ضمن مخالفت با این ماده ابراز می دارد :

« هیچکس مأذون نیست با اغوا و توسل به زور اتباع هلندی را وادار به پذیرش دین اسلام نماید و شما تنها ، کسانی را می توانید نفی بلد نمائید که بدون رضایت باطنی خود مسلمان شده باشند » (همان : ۲۵) .

ماده چهاردهم و پانزدهم این موافقت نامه ناظر به برخورداری هلندی ها از حق قضاوت کنسولی است . ماده چهاردهم در مورد ارتکاب اتباع هلندی به قتل و ماده پانزدهم در مورد برقراری رابطه اتباع هلندی با زنان ایرانیست که در هر دو مورد هلندی ها خواستار محاکمه مجرمان توسط مقامات هلندی شده اند . شاه عباس در مورد این دو ماده اظهار داشته است :

« در صورت آدمکشی یا هر نوع جنایت ، بشما اجازه محاکمه اتباع خودتان اعطاء میشود ، بشرطیکه در محاکمه و تنبیه آنان - همانگونه که از ملت شما انتظار داریم - عدالت و انصاف مراعات گردد ... مأمورین قضائی موظفند هر هلندی را که با زنی رابطه داشته به شما تحویل دهند تا بر طبق نوع جرمی که مرتکب شده ، تنبیه گردد » (همانجا) .

در واقع مفاد مذکور فتح بابی برای مطالبات فزون طلبانه اروپاییان در زمینه اخذ حق کاپیتولاسیون را در قرار داد های ادوار بعدی فراهم ساخت . به نظر می رسد برخورد های قاطعانه شاه عباس در مخالفت با این مفاد می توانست نقش تعیین کننده ای در عدم طرح این خواسته ها در قرار داد های آتی داشته باشد .

دولتمردان و سیاستگزاران عصر صفوی دلایل فراوانی برای برقراری روابط با اروپاییان داشته و بر همین اساس ، رفت و آمدهای فراوانی میان ایران و کشورهای اروپایی برقرار بود . یکی از کشورهای اروپایی که به منظور گسترش بازرگانی و هم‌آوایی بر ضد عثمانیان با صفویان بنیاد دوستی افکند امپراتوری بریتانیا بود . در روزگار شاه عباس اول رشته های دوستی و هم پیمانی با انگلستان از ۱۰۰۷ / ۱۵۹۸ به وسیله برادران شرلی^۲ شکل

² Sherley

گرفت. این دو برادر (آنتونی و رابرت) که برای پدید آوردن پیوند دوستی میان انگلیس و ایران و آماده کردن شاه عباس برای جنگ با عثمانی به ایران آمده بودند. دوستی عباس اول با انگلیسی ها بدان حد بود که در ۱۰۲۵ / ۱۶۱۶م نزد ادوارد کنوک^۳ که از سوی کمپانی هند شرقی برای ایجاد یک کارخانه انگلیسی به ایران آمده بود، جیمز^۴ پادشاه انگلیس را « برادر بزرگ خود » خواند و در (۱۰۳۲ - ۱۰۳۱ / ۱۶۲۲ - ۱۶۲۰) با کمک انگلیسی ها جزایر اشغال شده خلیج فارس را از چنگ پرتغال و اسپانیا در آورد. نوشته مکاتبات و نامه هایی که میان عباس اول و فرمانروایان اروپا مبادله شد تقریبا همه گزارشگر آن است که دولت ایران با دولت های مسیحی اروپا هم پیمان و دوست بود و دشمن مشترک آنان عثمانی در نظر گرفته می شده که باید در جنگ بر ضد آن همساز و هم آوا شوند. انگیزه شاه عباس از جنگ با عثمانی باز پس گرفتن استانهای ایران بود که هنگام جنگ با عثمانی ها از دست رفته بود و البته وی به این خواست خویش دست یافت (حائری، ۱۳۸۰ : ۱۴۲-۱۴۳).

رابرت شرلی که در زمینه جنگ کارشناس برجسته بود در ارتش شاه عباس اول نقش فرماندهی داشت و در جنگی که بر ضد عثمانی کرد کربلا را از چنگ عثمانیان در آورد (حائری : ۱۴۶). رابرت شرلی در جنگ های عباس یکم با عثمانی به منصب و موقعیت مهمی دست یافت و به حدی قابلیت و رشادت خود را نشان داد که ایرانی ها تاجی به یادگار ظفر به او دادند (سفرنامه برادران شرلی در زمان شاه عباس کبیر، ۱۳۵۷ : ۱۴۹). در اسناد مربوط به مکاتبات شاه عباس نامه هایی به آنتونی شرلی نگاشته شده که در ذیل به فراز های از آن اشاره می شود :

« ... فرمان همایون شد آنکه امارت پناه نتیجه السلاطین المسیحیه ، اسوه الولاه الفرنگیه ، امیر زاده اعظم آنطونیا شرلی به وفور توجهات بی کران شاهانه و تملطفات و اصطناعات بی پایان پادشاهان عز و اختصاص و شرف [یافته] بدانند که حالا چند سال شد که از خدمت اشرف به جانب فرنگستان رفته اصلا از جانب او یک مرتبه خبری نرسیده و عریضه مبنی بر حقایق حالات آن جایی بوده باشد نفرستاده ... می باید که برخلاف سابق حقیقت حال خود و سلاطین عظام فرنگیه و ارادات خاطر ایشان را عرض نموده تقصیر ننماید و چنان نماید که نواب همایون ما نیز از اوضاع آن جا و قرار داد خاطر سلاطین فرنگیه واقف »^۵ (نوایی ، ج ۳ : ۲۳۷-۲۳۸).

³Edward connock

⁴ James

⁵ ظاهرا سال نگارش نامه ۱۰۱۵ قمری می باشد.

در نامه دیگری که شاه عباس یکم توسط آنتونی شرلی برای پادشاه انگلستان ارسال داشته مراتب دوستی خویش را نسبت به فرنگیان اینگونه ابراز داشته است :

« ... آنچه حضرت پادشاه عالی جاه انگلیس از احوالات این جانبی خواهند و تحقیق نمایند ، چون او واقف و داناست حقیقت خاطر نشان می نماید . ازو معلوم نمایند که ما را چه مقدار محبت و دوستی با جماعت فرنگیه است و چگونه کرستانان را حرمت و عزت می داریم . ایشان نیز در لوازم دوستی جانبین کوشیده نوعی نمایند که همیشه در میانه آمد شد بوده باشد (نوایی ، ج ۳ : ۲۳۹).

بررسی مندرجات این مکاتبات در قیاس با نامه های شاه عباس به امرای مسلمان، نشانگر کاربرد کمتر القاب و همچنین فقدان مضامین اعتقادی در اینگونه نوشته هاست .

نتیجه

دیپلماسی مکاتبه ای شاه عباس را می توان از دو منظر صوری (سبک نوشتاری) و درون مایه های محتوایی مورد تحلیل و بررسی قرار داد . این دو بُعد یعنی ویژگی های صوری و محتوایی در تعامل با یکدیگر در شناخت گفتمان حاکم بر سیاست خارجی آن دوره نقش بسزایی دارد . از نظر ساختاری و ویژگی های صوری تفاوت های در خور توجه ای میان مکاتبات شاه عباس یکم با امرای مسلمان (عثمانیان ، ازبکان) و نامه های شاه با سلاطین و دولتمردان اروپایی دیده می شود . وجوهی از این تفاوت ها را می توان در نحوه کاربرد صفات و القاب و کمیت آنها را مشاهده کرد . از مصادیق و شواهد ارائه شده در این نوشتار می توان دریافت . از نظر کمی القاب و صفات به کار رفته برای امرای مسلمان (عثمانیان و ازبکان) بسیار بیشتر از القابی است که برای دولتمردان اروپایی به کار رفته است . ضمن اینکه همانگونه که در متن مقاله پیش رو نشان داده شد القاب به کار رفته برای پادشاهان مسلمان در پیوند با مبانی اعتقادی آنهاست . از نظر ساختاری الگوی غالب در مکاتبات با امرای مسلمان شامل کاربرد عبارات تحمیدیه ، نعت رسول اکرم (ص) ، مدح ائمه اطهار (ع) ، کاربرد القاب برای مخاطب (سلاطین مسلمان) و ذکر انگیزه ها و خواسته ها و اهداف نگارش نامه می باشد . بسامد کاربرد آیات قرآنی و برخی احادیث از دیگر ویژگی های این مکاتبات است . در مکاتبات با سلاطین اروپایی این ساختار رعایت نشده و صرفاً شاه عباس به آوردن القابی مختصر برای آن دولتمردان بسنده کرده است . از بررسی این مکاتبات انجام شده میان شاه عباس و خوانین ازبک می توان دریافت که دیپلماسی مکاتبه ای شاه عباس در قبال ازبکان علاوه بر مواضع اقتدار گرایانه ، در مواردی مبتنی بر گفتمانی مدارا جویانه و زمانی همراه با اتخاذ مواضع ایدئولوژیک در قبال حریف مجال بروز و ظهور پیدا کرده است . به رغم اتخاذ مواضع مقتدرانه و تفوق

آمیزی و گاه آمیخته با تهدید که در دیپلماسی مکاتباتش با سلاطین مسلمان در پیش می گیرد . دیپلماسی مکاتبه ای وی با دولتمردان اروپایی مبتنی بر تسامح و مداراست.

از بررسی دیپلماسی مکاتبه ای شاه عباس می توان به محوریت تجارت و رقابت با عثمانیان در برقراری ارتباط با اروپایی ها پی برد . در این دیپلماسی مکاتبه ای الگوهای ویژه ای در مناسبات خارجی صفویان پدید آمد که برخی از این الگوها در ادوار پس از شاه عباس نیز تداوم یافت . بر پایه این الگوها تساهل و تسامح مذهبی صفویان نسبت به اروپاییان ساکن ایران برای پیشبرد اهداف سیاسی و تجاری ، موازنه قدرت برای کنترل آنها و کسب منافع از رقابت های موجود میان دول اروپایی بود . اگرچه تساهل مذهبی عباس یکم نسبت به اروپاییان نشانگر سماحت نظر او نسبت به اقلیت های مذهبی و امری مثبت در عرصه سیاست داخلی و خارجی به شمار می آید با این حال تسری این کنش های مداراجویانه در انعقاد قراردادهای تجاری و سیاسی منجر به پذیرش حقوقی نظیر حق قضاوت کنسولی برای اروپاییان می شد ، که فتح بابی برای مطالبات فزون طلبانه اروپاییان در ادوار بعدی گردید .

فهرست منابع

- آقاجری ، سید هاشم (۱۳۸۹). مقدمه ای بر مناسبات دین و دولت در ایران عصر صفوی . تهران : طرح نو
- اسناد پادریان کرملی بازمانده از عصر شاه عباس صفوی (۱۳۸۳) . به کوشش منوچهر ستوده با همکاری ایرج افشار . تهران : میراث مکتوب .
- بابایی و همکاران (۱۳۹۰). غلامان خاصه نخبگان نوحاسته دوران صفوی . ترجمه حسن افشار . تهران : نشر مرکز .
- پارسا دوست ، منوچهر (۱۳۸۸). شاه عباس اول : پادشاهی با درس هایی که باید فرا گرفت . ج ۱ . تهران : شرکت سهامی انتشار .
- ثابتیان ، ذ (۱۳۴۳). اسناد و نامه های تاریخی دوره صفویه . تهران : بسرمايه کتابخانه ابن سینا .
- جعفری ، فاطمه (۱۳۹۶). « بررسی تحلیلی دیپلماسی مکاتبه ای رجال سیاسی عهد قاجار » . پایان نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ گرایش ایران اسلامی . دانشگاه بیرجند . استاد راهنما زهرا علیزاده بیرجندی .
- حائری ، عبدالهادی (۱۳۸۰). نخستین رویارویی اندیشه گران ایران با دورویه تمدن بورژوازی غرب . تهران : امیر کبیر . چ ۴
- خالندی ، انور (۱۳۹۷) . « بررسی الگوهای روابط خارجی عصر صفوی » در : مجموعه مقالات نخستین کنفرانس تاریخ روابط خارجی ایران . ج ۱ . تهران : وزارت امور خارجه اداره چاپ و انتشارات .
- سفرنامه برادران شرلی در زمان شاه عباس کبیر (۱۳۵۷). ترجمه آوانس . تهران : انتشارات کتابخانه منوچهری .

علیزاده بیرجندی و جعفری (۱۳۹۷). « بررسی تحلیلی دیپلماسی مکاتبه ای امیر کبیر ». دومین کنفرانس تاریخ روابط خارجی ایران

فلور ، ویلم (۱۳۵۶). اولین سفرای ایران و هلند شرح سفر « موسی بیک » سفیر شاه عباس به هلند و سفرنامه « یان اسمیت » سفیر هلند در ایران . به کوشش داریوش مجلسی و حسین ابوترابیان . تهران : زبان و فرهنگ ایران .

فوران ، جان (۱۳۸۳). مقاومت شکننده : تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۸۷۹ شمسی تا انقلاب . ترجمه احمد تدین . تهران : خدمات فرهنگی رسا .

مهدوی ، عبدالرضا هوشنگ (۱۳۸۴). تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی . تهران : امیر کبیر

نوایی ، عبدالحسین (۱۳۶۶). شاه عباس ، مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت های تفضیلی . ج ۱ و ۳ . تهران : انتشارات زرین

نوایی ، عبدالحسین (۱۳۷۷). ایران و جهان از مغول تا قاجاریه . ج ۱ . تهران : موسسه نشر هما

هدایتی ، گلنار (۱۳۹۷). « زمینه های گسترش تجارت ابریشم در خلیج فارس با تکیه بر توسعه روابط تجاری با اروپائیان در عصر شاه عباس اول ». فصلنامه تخصصی مطالعات خلیج فارس . س ۴ ، ش ۲ (پیاپی ۱۴) ، پاییز : ۳۶-۴۸ .